



23 فبروری 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

نگاه مقایسوی بر انتخابات ریاست جمهوری کنونی و گذشته

با اتمام سلسله مقاله ها پیرامون انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009 که در یازده قسمت پیهم تحت عنوان «درسی که باید از گذشته آموخت» با ترجمه بخش های از کتاب «مبارزه قدرت در افغانستان» نوشته کای آیدی در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين قبلاً نشر شد، اکنون خالی از دلچسپی نخواهد بود تا از تجارب حاصله آن برای دوره جاری انتخابات ریاست جمهوری کشور استفاده کرد. همه میدانیم که انتخابات جاری هنوز در دوران بوده و قضاوت درباره نتایج حاصله و بررسی مقایسوی آن با گذشته پیش از وقت است، اما بحث مختصر روی آن میتواند به خواننده حداقل این معلومات را بدهد که انتخابات در دوره قبل چطور بود و اکنون با چه تفاوت ها در حال اجرا میباشد.

اگر از نشیب و فراز های سیاسی در طول نیم قرن اخیر اعم از دهه دموکراسی و سپس جمهوریت شهید محمد داود خان و نیز دوره های غمبار خلق و پرچم، حکومت مجاهدین و بالاخره طالبان بگذریم، کنفرانس «بن» بدون تردید آغاز یک دوره نوین در تاریخ کشور محسوب میشود. تاکنون مدت دوازده سال از این دوره میگذرد و با آنکه از شرایط بسیار مساعدی که هیچگاه برای کشور قبلاً میسر نشده بود، استفاده های لازم در جهت رفاه و آرامش مردم صورت نگرفت، ولی نمیتوان از این حقیقت چشم پوشید که افغانستان با تمام کم و کاستی ها طی این مدت به نحوی وارد دنیای جدید و دموکراتیک گردید. یکی از دست آوردهای بارز این دوره همانا انتخابات بطور عموم و از جمله انتخابات ریاست جمهوری میباشد که سومین دوره آن اکنون در جریان است.

اگرچه انتخابات ریاست جمهوری در دو دوره گذشته (2004 و 2009) بصورت متزلزل و دارای خلا های زیاد برگزار شد و دموکراسی تازه وارد در کشور دستخوش بازی های زورمندان و باندهای مافیائی قدرت گردید، با آنهم تلاش برای استحکام بنیاد این دموکراسی نیم بند یگانه راه نجات افغانستان پنداشته میشود. این وظیفه فرد فرد افغان است که در این راه مجدانه بکوشد و نگذارد دستهای مرئی و نامرئی بار دیگر ارابه های تاریخ را به عقب برگردانند. چراغ این راه بخصوص در دست جوانان با احساس افغان است تا نقش تاریخی، ملی و اسلامی خود را با آوردن اصلاحات و تقویة یک دست آورد مهم و بارز این دوره از طریق اشتراک سالم در انتخابات بازی کنند و وطن را از ادامه مصیبت های دوامدار نجات دهند. به همین امید می پردازیم به اصل موضوع یعنی بررسی خصوصیات انتخابات 2009 ریاست جمهوری با انتخابات جاری که البته بطور مقایسوی وبا اختصار تحت نقاط ذیل خدمت تقدیم میگردد:

1 - کرسی به حیث رئیس جمهور برحال یکی از کاندید های ریاست جمهوری 2009 بود و چنانکه دیده شد، او از هیچگونه تلاش (ولو غیرقانونی) دریغ نکرد تا بار دیگر در انتخابات برنده شود که جریان آن طی مقالات قبلی به تفصیل بیان گردید و ضرورت به تکرار ندارد. در انتخابات جاری کرسی برطبق قانون اساسی حق کاندید شدن مجدد را ندارد و اخیراً به تمام کارمندان دولت بخصوص وزرا و والی ها دستور داده است که هیچیک حق ندارد از امکانات دولتی به نفع کاندید ریاست جمهوری استفاده کند و زیر نام داشتن حمایت رئیس جمهور مردم را فریب دهد، اما به حیث رئیس جمهور برحال و پر قدرت که تمام دستگاه دولت زیر نفوذ او قرار دارد، واضح است که میخواهد شخص مورد نظر خود را جاگزین خود سازد تا زیر سایه و حمایت او بتواند در آینده نیز بطور غیرمستقیم در قدرت شریک باشد و همچنان ممکن است ترس از آینده و احتمال مؤاخذه، او را به چنین کاری وادارد. همین اکنون رسانه ها و مردم از یکی دو کاندید منسوب به «ارگ» صحبت میکنند، بخصوص که در این روزها فعالیت های پشت پرده در ایجاد «جرگه تفاهم» تشدید یافته و حاکی از تلاش های است که میخواهند بین کاندید های نزدیک به ارگ یک اتحاد جدید انتخاباتی را به وجود آورند. این نوع فعالیت ها واضحاً به بیطرفی کرسی در انتخابات صدمه میرساند و انتخابات را از مسیر آزاد آن منحرف می سازد که عواقب بعدی ناگوار در ارتباط به مشروعیت انتخابات خواهد داشت.

2 - در سال 2009 انتخابات به اساس قانونی اجرا گردید که توسط فرمان تقنینی (مورخ 6 جوزای 1383 مطابق 27 می 2004) رئیس جمهور نافذ گردیده بود، درحالیکه در دوره جاری انتخابات به اساس قانون جدید انتخابات که پس از تصویب شورای ملی و طی مراحل بتاریخ 29 سرطان 1392 (20 جولای 2013) در شانزده فصل و جمعاً 79 ماده نافذ شد، پیش برده میشود. در دوره قبلی هر نوع مشکل خلای قانونی بوسیله فرمان رئیس جمهور حل شده میتوانست، ولی اکنون فقط قوای مقننه کشور صلاحیت اینکار را دارد، آنها با رعایت ماده 109 قانون اساسی که حکم میکند: «پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه، در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمیتواند».

3 - در سال 2009 هر تبعه افغانستان با اکمال سه شرط مندرج ماده 62 قانون اساسی و اکمال دو شرط دیگر مندرج قانون انتخابات آنوقت یعنی پرداخت 50 هزار افغانی و ارائه 10 هزار کاپی کارت رأی دهندگان به سطح ملی از اقوام و ولایات مختلف کشور حق داشت برای احراز مقام ریاست جمهوری خود را کاندید نماید. قانون جدید انتخابات بر علاوه سه شرط ماده 62 قانون اساسی، شرایط کاندید شدن را مفیدتر ساخته تا از تعدد کاندید ها کاسته شود، چنانچه برطبق ماده 45 این قانون هریک کاندید ریاست جمهوری اسناد «یکصد هزار رأی دهنده، حداقل از بیست ولایت، هر ولایت دو فیصد» را حین ثبت نام به کمیسیون بسپارد، البته استعفی از وظایف دولتی، معرفی دو معاون و تادیه مبلغ یک ملیون افغانی «پیش شرط» نیز شامل شرایط قانونی میباشد. نا گفته نباید گذاشت که در هر دو قانون آنچه مورد اغماض قرار گرفت همانا سوابق کاری، گذشته شفاف و نیز حداقل درجه تحصیل کاندید بود، درحالیکه شرایط مقید کاندید شدن در قانون جدید زمینه را بیشتر برای اشخاص پر قدرت و زورمند مساعد گردانیده است.

4 - نظر به سهولت شرایط کاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری 2009 نخست تعداد 76 نفر ثبت نام کردند که در لست ابتدائی 44 نفر راه یافتند و در آخر به تعداد 32 کاندید شامل لست نهائی گردیدند. در انتخابات جاری نظر به مقید شدن شرایط قانونی جمعاً 27 نفر ثبت نام کردند، یک نفر از کاندیدای خود منصرف شد و از بین 26 کاندید در قدم اول هیچ یک نتوانستند شرایط مندرج ماده 45 قانون انتخابات را تکمیل نمایند و از این ناحیه مشکل خلای قانون مطرح شد، زیرا همچو حالت در قانون انتخابات پیشینی نشده بود. کمیسیون مستقل انتخابات برای رفع این معضله تصمیم گرفت تا شرط صد هزار کارت و 20 ولایت را به اندازه 30 فیصد تقیص دهد که برطبق آن همه کاندید هائیکه 70 هزار کارت را از حداقل 14 ولایت پوره کرده بودند، حق شمول در لست نهائی را پیدا کردند که شامل 11 کاندید میگردد. اینکه کمیسیون مستقل انتخابات صلاحیت همچو تقیص را برخلاف حکم صریح قانون انتخابات چطور و از کجا بدست آورده است، مورد سؤال بوده و مسلماً یک تخلف صریح از قانون شمرده می شود، ولی بهر صورت اعلام یازده کاندید مطابق ماده 46 بند 3 قانون انتخابات که حکم میکند: «فهرست نهائی کاندیدان بعد از رسیدگی به تمام اعتراضات توسط کمیسیون شکایات، از جانب کمیسیون انتخابات به نشر میرسد، این فهرست غیر قابل تغییر است»، برگشت پذیر نمیشود.

5 - ماده 156 قانون اساسی حکم میکند که: «کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم در کشور مطابق به احکام قانون تشکیل میگردد». برطبق این ماده بتاریخ 4 دلو 1383 (24 جنوری 2005) اولین قانون تشکیل و طرز العمل های کمیسیون مستقل انتخابات بوسیله فرمان تقنینی در 12 ماده نافذ گردید که کمیسیون متشکل از 7 عضو (از جمله 2 خانم) و مدت انفاذ آن به سه سال محدود گردیده بود. در 2008 بار دیگر قانون مذکور با شرح بیشتر بوسیله فرمان تقنینی نافذ شد و کمیسیون مستقل انتخابات با تعیین اعضای جدید در انتخابات 2009 به استناد آن عمل کرد و علاوه کمیسیون مستقل بررسی شکایات نیز در 2009 مجدداً تعیین شد که متشکل از 5 عضو بود (دو عضو افغان یکی از ستره محکمه و دیگر از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سه عضو بین المللی به انتخاب کای آیدی نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان).

از اواخر 2012 مسوده قانون «تشکیلات و صلاحیت کمیسیون مستقل انتخابات» در ولسی جرگه زیر بحث رفت و اما چندان توجه به تصویب آن نگردید، تا آنکه لزوم تصویب این قانون برای انتخابات 2014 اشد ضروری پنداشته شد. با آنکه دست های مرئی و غیر مرئی به شمول «ارگ» روی اهداف مشخص نمیخواستند این قانون بزودی به تصویب برسد و مشکل شمول دو نفر عضو خارجی را مطرح کرده بودند و رئیس جمهور عضویت خارجی را مغایر بر «حاکمیت ملی» میدانست، درحالیکه ولسی جرگه برای نظارت بهتر از آن حمایت میکرد، بالاخره قانون مذکور در ماه

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

سرطان 1392 (جولای 2013) نافذ گردید. برطبق آن یک کمیته گزینش متشکل از روسای شورای ملی، ستره محکمه، کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون نظارت بر قانون اساسی و یک عضو جامعه مدنی تشکیل گردید. آنها از بین یک تعداد زیاد کاندید ها 27 نفر را به رئیس جمهور پیشنهاد کردند و رئیس جمهور از بین آنها 9 عضو کمیسیون مستقل انتخابات (سه خانم و 6 مرد) را برگزید و همچنان کمیته گزینش 15 کاندید را برای احراز عضویت در کمیسیون مستقل شکایات به رئیس جمهور معرفی کرد تا از بین آنها 5 تن (یک خانم و 4 مرد) را انتخاب نماید. به این اساس دیده میشود که در انتخابات جاری اعضای کمیسیونها همه افغان بوده همه بوسیله رئیس جمهور از میان یک تعداد برگزیده شده اند و هیچ خارجی در آن شامل نمیباشد و ملل متحد اکنون فقط نقش کمک کننده را دارد.

اینکه کمیسیونها تا چه حد میتوانند مستقلاً و فارغ از نفوذ رئیس جمهور عمل کنند، سؤالیست که جریان بعدی انتخابات به آن جواب خواهد گفت. با تأسف که همین حالا مطالبی در رسانه ها به نشر رسیده که بیانگر اختلاف نظر بین اعضای کمیسیون شکایات می باشد، چنانکه شایع گردیده که رئیس این کمیسیون به اقدامات خودسرانه دست می یازد و گفته میشود که اقدامات او بیشتر از نظر رئیس جمهور الهام میگیرد. همچنان اگر دامنه این اختلافات به کمیسیون مستقل انتخابات سرایت کند و فضای همکاری بین دو کمیسیون را برهم زند و منتج به اختلاف نظر بین آنها گردد، درانصورت پروسه انتخابات و بخصوص موضوع شفافیت و مشروعیت جداً زیر سؤال خواهد رفت.

بعضی ها به این نظر اند که کمیسیون بررسی شکایات در قانون اساسی ذکر نشده و لذا موجودیت آن مغایر به قانون اساسی است، درحالیکه عده ای دیگر معتقد اند که موجودیت کمیسیون مذکور در قانون اساسی نفی نشده و بنام مغایر به قانون اساسی نمیباشد و اما در شیوه انتخاب اعضای آن ابراز نگرانی میکنند و تأکید میدارند که اعضای این کمیسیون باید از بین کسانی انتخاب شوند که دارای سوابق کاری بسیار شفاف و تجارب فراوان حقوقی و قضائی و در عین زمان صاحب استقلال رأی باشند، زیرا سرنوشت انتخابات در واقع بدست همین کمیسیون است.

6 - به اساس ماده 61 قانون اساسی: «وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد؛ انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار میگردد». حکم این ماده از نظر عملی مشکل بزرگ را در تدویر و اجرای انتخابات به وجود آورده و موجب مشکلات عدیده گردیده است. محدودیت های مندرج قانون انتخابات از ناحیه ثبت نام کاندید ها، تثبیت لست نهائی کاندید ها، رسیدگی به شکایات و نیز دوره معینه مبارزات انتخاباتی، شمارش آراء و غیره همه ایجاب یک فرصت بیش از هفت هشت ماه را میکند. درانصورت دیده میشود که آمادگی ها و پیشبرد امور انتخاباتی بیشتر در موسم زمستان مصادف میگردد و در این موسم اغلب نقاط کشور در اثر برفباری و برودت هوا مسدود بوده و انتقال مواد، رفتن مردم به حوزه های انتخاباتی و راه اندازی مبارزات انتخاباتی را در سرتاسر کشور به مشکل مواجه می سازد. به همین دلیل انتخابات در 2009 از اول جوزا به 29 اسد به تعویق افتاد که سروصدا های زیاد را بلند کرد، اما کمیسیون انتخابات در این دوره قاطعانه تصمیم گرفت تا انتخابات را در وقت معینه برطبق قانون اساسی براه اندازد که اکنون در پیشبرد امور موفق است.

بهرحال هنگامیکه زمینه تدویر لویه جرگه مساعد گردد، امید است بعضی نارسائی های قانون اساسی مورد تجدید نظر قرار گیرند، از جمله موضوع تعیین وقت انتخابات به زمانی موکول شود که از نظر اقلیمی مساعد باشد.

7 - قبل از انتخابات 2009 روابط رئیس جمهور کرزی با امریکا تدریجاً رو به سردی گرائیده بود، ولی در جریان انتخابات پس از تقرر هالبروک R. Holbrook به حیث نماینده خاص رئیس جمهور اوپاما برای افغانستان و پاکستان و متعاقباً مقرری پیتر گالبرایت P. Galbraith به حیث معاون کای آیدی Kai Eide این روابط بیش از پیش سرد و متشنج گردید که از آن تاریخ تا اکنون با گذشت هر روز به سردی آن افزوده میشود. موضوع امضای موافقتنامه امنیتی بین افغانستان و امریکا از یکطرف و رهائی زندانیان طالب از زندان بگرام از طرف دیگر روابط دو کشور را در آستانه انتخابات جاری بیشتر متشنج ساخته است. درحالیکه امریکا در انتخابات 2009 به مقصد تأمین امنیت انتخابات بیش از 40 هزار نفر قوای خود را افزود و متعاقباً تحت نام «افزایش قوا» (Surge) عملیات نظامی گسترده را به هدف پاکسازی مناطق تحت نفوذ مخالفان مسلح به راه انداخت، اما در انتخابات جاری برعکس امریکا و متحدین یک تعداد زیاد قوای خود را از افغانستان بیرون کرده و عده ای را نیز تا ختم سال 2014 خارج خواهند کرد. این وضع

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

از یکطرف مردم را دچار نگرانی از اوضاع امنیتی در انتخابات ساخته و از طرف دیگر ممکن است موجب تشجيع مخالفان گردد تا بر عملیات تخریبی خود بیفزایند. با اكمال پروسه انتقال مسئولیت های امنیتی اکنون تأمین امنیت انتخابات و وظیفه افغانها بوده و قوای خارجی فقط در مواقع ضرورت به قوای افغان کمک خواهند کرد.

8 - در انتخابات 2009 همه از قبل میدانستند که رقابت بین دو کاندید - کرزی و عبدالله بیشتر مطرح است، لذا توجه همه به سوی آن دو معطوف بود. کرزی با معامله گریهای سیاسی موفق شد تا درز عمیق را بین اعضای جبهه متحد که بیشتر از عبدالله حمایت میکرد، ایجاد کند. پیوستن قسیم فهیم به تیم کرزی، ضربه بسیار محکم بر موقف عبدالله وارد کرد و نیز پیوستن ضیا مسعود در کنار گل آقا شیرزی که بعداً به نفع کرزی از نامزدی خود منصرف شد، ضربه دیگر بود. همچنان کرزی به وساطت خلیلزاد موفق شد دوستم را از اقامت اجباری به کشور فرا خواند و با وعده های مقام (از جمله وزارت خارجه و چند مقام عالی دیگر) از نفوذ او در تدارک آراء به نفع خود استفاده کند. انتخاب خلیلی به حیث معاون دوم، رأی برادران هزاره را نیز بین او و محقق که به نفع عبدالله کار میکرد، تقسیم نمود. با وجود همجواریها و تقلب های گسترده در آراء هر دو کاندید پیشتر، کرزی نتوانست بیش از نصف آراء را بدست آورد و انتخابات به دور دوم رفت و با کنار کشیدن عبدالله در دور دوم، کرزی به حیث رئیس جمهور اعلان گردید که شرح مزید آن در مقالات قبلی بیان گردید.

در انتخابات جاری وضع تغییر کلی دارد، زیرا کاندید ها همه از روز اول میدانستند که چانس موفقیت شان در انتخابات با اشتراک کسانی تقویه میگردد که آنها مسمی به «تانک رأی» بوده و شامل ساختن آنها در تیم کاری به حیث معاون و همچنان ایجاد نوعی از ائتلافها که اغلب شکل «معامله گری» را دارد، میتواند آراء گروپ های قومی، زبانی و مذهبی را به خود جلب نمایند. به این اساس اکثر کاندیدها کوشیدند تا زیر نام «مشارکت ملی» معاونین خود را از آدرس های فوق و نیز احزاب مربوطه انتخاب کنند. اکنون با این شیوه دیده میشود که هیچ کاندید نمیتواند با اشتراک یک نفر سرشناس و صاحب نفوذ از یک قوم، آراء کلی آن قوم را بدست آورد، زیرا رأی آنها به چند دسته تقسیم خواهد شد؛ طور مثال رأی پشتونها متمرکز به یک کاندید باقی نخواهد ماند، به همین ترتیب آراء جمعی اقوام دیگر بین چند کاندید منقسم خواهد شد. اینجاست که به اصطلاح «تانکهای رأی» نقش قاطع سازندگی خود را در موفقیت یک کاندید تاحد زیاد از دست میدهند و در اثر آن احتمال قریب به یقین وجود دارد که هیچیک کاندید نتواند (مگر بوسیله تقلب و تخلف و نیز پلانهای از قبل طراحی شده) در دور اول موفق به رأی بیش از 50 فیصد گردد و بناً واضح است که انتخابات به دور دوم خواهد رفت.

دلچسپ آنست که تلاشهای جدی قبل از ثبت نام کاندید ها صورت گرفت و گروپهای مختلف باهم بارها مجلس کردند تا اگر بتوانند دور یک کاندید جمع شوند و به این وسیله از تعدد کاندیدها کاسته و از انقسام آراء جلوگیری نمایند. متأسفانه امتیاز طلبی ها و خود خواهی های هر یک این اقدام را ناکام ساخت. عده ای بعد از ثبت نام و اعلام لست نهائی کاندید ها باز هم کوشش کردند تا بین کاندید های مورد نظر ارگ یک تفاهم ایجاد نمایند تا یکی به نفع دیگر بگذرند، ولی وقتی کمسیون انتخابات اعلام کرد که موعد معینه انصراف از نامزدی گذشته و در صورت انصراف، رأی شخص باطل حساب میشود، لذا چنین تلاشها ظاهراً فروکش کرد؛ اما اکنون دیده میشود که بار دیگر حلقات وابسته به ارگ در تلاش اند تا سه چهار کاندید آنها به وسیله یک تعداد سران قومی درانی به نفع یک کاندید مورد نظر رئیس جمهور یعنی زلمی رسول از کاندیدای خود منصرف شوند. اینکار عملاً به حال کاندید مورد نظر وقتی مفید واقع میشود که کاندیدهای مؤتلفه از آراء قبلاً سازمان شده و متشکل مثلاً حزب و یا تشکلات قومی و غیره برخوردار باشند تا به حسب هدایت حاضر شوند رأی خود را به شخص دیگر مورد نظر بدهند، درحالیکه هیچ یک از کاندیدهای مذکور دارای همچو سازمان متشکل نیستند و هیچ تضمینی وجود ندارد که همه رأی دهندگان آن گروپ بدون چون و چرا به آن مبادرت ورزند. بازهم دیده شود که از این بازیها چه عواقبی بروز خواهد کرد.

علاوتاً در این دوره دیده میشود که گروپ های سیاسی - تنظیمی به مقایسه 2009 بیشتر مطرح میباشند، چنانچه حزب اسلامی شاخه ارغندیوال به حمایت از عبدالله پرداخته و اما حزب اسلامی حکمتیار اولین بار است که در مبارزات انتخاباتی از یک کاندید خاص یعنی قطب الدین هلال حمایت میکند. سیاف با اسماعیل خان جناح راست افراطی را تشکیل داده و اشرف غنی که گویا بیشتر کاندید مورد نظر غرب محسوب میشود، با دوستم کنار آمده است. اینها همه ترکیبات جدید ائتلاف ها است که در دوره گذشته وجود نداشت.

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

9 - یکی دیگر از مشخصه های بارز هر دو انتخابات در ارائه پلان کاری کاندید ها است. با آنکه در انتخابات جاری زمینه مبارزات انتخاباتی از نظر دسترسی به رسانه ها بسیار وسیع و نحوه ای کار آن «مدرن» شده است و مثل انتخابات 2009 به شکل محدود و ابتدائی نمیباشد، اما تا جائیکه دیده میشود کاندید ها در باره پلان های کاری خود بیشتر به شکل «متحدالمال»، «آرمانگرایانه» و یکنواخت صحبت میکنند که چندان تفاوت بارز بین آنها در پلاتفورم سیاسی و پلانهای کاری شان دیده نمیشود و آنها کمتر به توضیح امکانات عملی پلانهای خود می پردازند؛ همه تقریباً گفتار خود را به « باید» شروع میکنند و از اینکه «چگونه» به این «بایدها» جامه عمل می پوشانند، کمتر سخن میگویند، گویا همه وعده ها را به اصطلاح به «شاخی» باد میکنند، بدون آنکه از عملی بودن آن ذکری به میان آورند. همه میدانند که در وعده دادن نباید یکی از دیگر کم آیند، اینکه وعده ها بعد از برنده شدن بدست باد سپرده خواهد شد، کسی به آن نمی اندیشد.

اینبار مردم از کاندیدها میخواهند تا در مورد مشکلات اساسی آنها توجه مبذول دارند، ولی به صدای مردم وقعی گذاشته نمیشود و هیچ کاندید از مشکلات ناشی از کمبود منابع مالی که در آینده سد راه آنها خواهد بود و تمام وعده ها را به بن بست خواهد کشانید، صحبت نمی کند. بهرحال کسیکه برنده این انتخابات خواهد شد و در مقام ریاست دولت قرار خواهد گرفت، به مقایسه دوره قبلی بار بسیار سنگین را در یک راه پر خم و پیچ در پیش دارد و دیگر دوران آسوده حالی رئیس جمهور که وقت خود را در این ده سال بیشتر وقف امور سیاست خارجی کرده و کمترین توجه را به امور داخلی مبذول داشته بود، به پایان رسیده است.

10 - مصارف مبارزات انتخاباتی یکی دیگر از مسائلی است که در انتخابات 2009 چندان جدی گرفته نشد، ولی در انتخابات جاری برطبق قانون انتخابات هیچ کاندید حق ندارد بیش از 10 میلیون افغانی صرف مبارزات انتخاباتی نماید. با آنکه هر کاندید مکلف به باز کردن یک حساب بانکی و معرفی یک نماینده مالی به کمسیون انتخابات میباشد و باید مصارف مبارزات از طریق همین حساب بانکی اجرا و راپور آن به کمسیون داده شود، ولی کنترل مصارف وقتی ناممکن میشود که کاندید از پول نقد استفاده کند و هیچ وسیله برای ثبوت مصرف موجود نباشد. در افغانستان با موجودیت پولهای فراوان نقد نزد اشخاص این زمینه که کاندید ها برای موفقیت خود پول به مراتب بیشتر از مبلغ معینه قانونی مصرف کنند، بسیار مهیا و مساعد است. در عین زمان قانون بر منبع شفاف پول مبارزات نیز تأکید میکند تا بدینوسیله کاندید از پولهای به اصطلاح «سفید» در مبارزات خود استفاده نماید. شاید این موضوع تاحدی در قسمت تهیه مبلغ معینه صدق کند، اما همه میدانند که پول مسمی به «سیاه» که از مجاری غیر قانونی و غیر مشروع بدست می آیند، امروز در کشور بیشتر در دوران بوده و کنترل آن در مصارف انتخاباتی، بخصوص در جهت تطمیع، رشوت، خرید رأی و غیره که موجبات تقلب، تخلف و تخطی را در پروسه انتخابات به وجود می آورند، ناممکن میباشد.

11 - در هر دوره انتخابات اعم از انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی و انتخابات پارلمانی مبالغی بین 250 تا 350 میلیون دالر برای تدویر پروسه انتخابات از اول تا آخر به مصرف رسیده است، چنانچه در انتخابات 2009 به گزارش رویترا این مبلغ به 359 میلیون دالر بالغ گردید که تمام این مبلغ در همه دوره ها بوسیله دونه ها و کشورهای دوست، بخصوص ایالات متحده امریکا تدارک گردید. در انتخابات جاری هنوز معلوم نیست که مصارف به چه پیمانها خواهد بود که این بار هم تدارک منابع مالی برای این مصارف را دونه ها و کشورهای دوست متعهد شده اند. سؤال مهم آنست که هرگاه شیوه انتخابات به همین وضع در آینده پیش برود و دونه ها و کشورها دوست در تدارک منابع مالی کمک لازم نکنند که بسیار محتمل خواهد بود، آنوقت آیا کشور از منابع عادی عواید دولت قادر به تهیه این مبالغ گزاف دوبار در هر پنج سال خواهد بود و یا اینکه دولت برای تدارک آن باز هم دست تگدی به هر جا دراز خواهد کرد و یا از مصارف انکشافی خواهد کاست تا از دموکراسی در بدل فقر حمایت کند؟ آیا لازم نیست تا با تعدیل قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری را از مستقیم به غیرمستقیم تبدیل کرد و یا اینکه انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی، شورا های ولایتی و ولسوالی ها را در یک مرحله به سر رسانید تا از مصارف گزاف کمی صرفه شود؟

12 - در انتخابات 2009 طوریکه ذکر شد، تصامیم در کمسیون بررسی شکایت که سه عضو آن خارجی و دو عضو افغان بودند، بیشتر تحت نظر خارجی های قرار داشت و از این ناحیه بین اعضای افغانی و غیرافغانی آن اختلاف در مورد تقلبات و تخلفات و باطل نمودن آراء و غیره به وجود آمد. علاوه بر ریچارد هالبروک نماینده خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان و نیز پیتر گالبرایت معاون نمایندگی ملل متحد در کابل چندان متمایل به موفقیت کرسی در دور

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اول نبودند و تلاش میکردند تا با موجودیت تقلب فراوان به نحوی مشروعیت انتخاب کرسی را در دور اول خدشه دار سازند.

در انتخابات جاری چون هیچ خارجی در کمیسیونهای دوگانه انتخابات عضویت ندارد و ایالات متحده نیز تا اکنون خود را در موضوع حمایت از یک کاندید خاص بیطرف وانمود کرده است، لذا این انتخابات اگر به همین شیوه پیش برود، عاری از نفوذ مستقیم خارج خواهد بود. شایعات مبنی برداشتن روابط بعضی کاندیدها با کشورهای همسایه و یا کشورهای دیگر و یا گروههای حمایتی آنها و حتی حمایتهای غیرمستقیم مالی موضوعاتی اند که همه روی حدس و گمان استوار بوده و بعضاً ممکن است جز تبلیغات سوء یکی علیه دیگر باشد.

13 - امکان استفاده از وسائل دولتی به نفع یک کاندید در انتخابات 2009 که رئیس جمهور جز کاندیدها بود، بیشتر دیده می شد، چنانچه پیمانها و افر تقلب نشانه ای بارز آن محسوب میشود، در دوره جاری ممکن است اینکار به پیمانها کمتر صورت گیرد، چنانچه همین حالا کمیسیون شکایات یک کاندید مهم را نسبت استفاده غیرقانونی از وسائل دولتی به جرمه نقدی محکوم کرده است، ولو که این نوع جرمه ها از نظر پولی ناچیز اند، ولی گوش کاندیدها را باز میکند که اینکار به شهرت و محبوبیت آنها در انتخابات شدیداً صدمه میرساند، درحالیکه گفته میشود که کمیسیون شکایات از تخطی بعضی دیگر از کاندیدها چشم پوشیده و از تعقیب آن خود داری کرده است.

14 - تفاوت مهمی که انتخابات جاری با انتخابات 2009 خواهد داشت در مورد اشتراک نسل جوان کشور است. احصائیه ها میرساند که بیش از 60 فیصد نفوس کشور را جوانان کمتر از سن 25 تشکیل میدهند و جوانان از نظر فکری اکنون به مرحله رشد سیاسی خود دست یافته اند که میتوانند خودشان در انتخاب کاندید مورد نظر خود تصمیم گیرند و دیگر تابع دستور بزرگان خانه یا ملای مسجد و ریش سفید محل نخواهند بود و نیز از شخصیت های معلوم الحال که خود را به ریاست قومی و مذهبی و یا به نام جهادی منسوب ساخته اند، جانبداری نخواهند کرد. نسل جوان افغان امروز بسیار واقع بینانه تر از هر وقت دیگر در صحنه ملی پا گذاشته و امید میرود که در انتخابات جاری نقش مثبت شان بیشتر تبارز کند و تحول بزرگ را بدنبال داشته باشد.

15 - در آستانه انتخابات 2009 کرسی تغییرات محسوس را در مقامات عالی کشور به وجود آورد، از جمله گماشتن حنیف اتمر به حیث وزیر داخله که در حلقه معتمدان خاص او قرار داشت و چند وزیر دیگر، چنانکه اتمر به سرعت دست به تغییر و تبدیل افسران عالی رتبه پولیس زد و گفته می شد که این تغییرات به مقصد حمایت از کرسی در انتخابات صورت میگرفت. در دوره جاری بار دیگر رئیس جمهور شخصی را به وزارت داخله گماشته است که جز حلقه خاص او بوده و این بار نیز شایع است که با همچو تغییر، مقرری های جدید در مقامات بلند آن وزارت باز هم به مقصد زمینه سازی برای موفقیت کاندید مورد نظر رئیس جمهور خواهد بود.

16 - مشکلات امنیتی در بسیاری از حوزه های انتخاباتی و مراکز رأی دهی موجب خواهد شد تا بار دیگر حضور زنان در انتخابات مثل 2009 کم رنگ باشد، ولو که تعداد مراجعه زنان در این اواخر برای اخذ کارتهای انتخاباتی در بعضی محلات بیشتر شده است، اما باز هم گمان نمیرود که آنها بتوانند نسبت مشکلات امنیتی و نیز فصل زمستان در انتخابات اشتراک گسترده داشته باشند. در انتخابات 2009 دیده شد که مردان فامیل با استفاده از کارت های رأی دهی زنان اوراق رأی دهی را به صندوق ها انداخته بودند و نیز جوانان پایان تر از سن قانونی 18 ساله کارت بدست آورده و به رأی دهی پرداخته بودند. امید است در انتخابات جاری حتی المقدور از آن جلوگیری بعمل آید و امید است معضله رنگ انگشت، بار دیگر وسیله شایعات مبنی بر تقلب «یک نفر چند رأی» نگردد.

17 - در انتخابات 2009 طولانی بودن لست کاندیدها برای مردم، بخصوص کسانی که راجع به کاندیدها معلومات قبلی نداشتند و یا چهره آنها را در اوراق رأی دهی تشخیص داده نمیتوانستند و یا اینکه فرصت لازم برای مرور لست طولانی در دسترس شان نبود، مشکل بسیار جدی را بار آورده بود. به همین دلیل وقتی رأی دهنده از یکی از مؤلفین انتخاباتی در زمینه تقاضای کمک میکرد، آن شخص از این اعتماد رأی دهنده سوء استفاده کرده بجای کاندید مورد نظر آن شخص، نام کاندید مورد نظر خود را نشانی میکرد و اوراق را به صندوق می انداخت که از این طریق تقلبات

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

واضح به مشاهده رسید. در انتخابات جاری چون تعداد کاندیدها بسیار زیاد نیست، احتمال همچو تقلب کمتر است و رأی دهنده میتواند به آسانی از بین یازده کاندید، شخص مورد نظر خود را بیابد.

18 - مشکل عمده در 2009 و نیز در انتخابات جاری ارائه معلومات در باره کاندیدها به رأی دهندگان است که همین حالا با مصاحبه هائیکه در ولایات و حتی در محلات نزدیک کابل با مردم عادی صورت گرفته است، اکثر فاقد معلومات لازم در باره انتخابات و کاندیدها بوده و به جز یک یا دو نام را که همیشه از رسانه ها شنیده اند، با نام دیگر کاندیدها آشنا نیستند، چه رسد به آنکه راجع به برنامه های کاندیدها چیزی بدانند. این بزرگترین خطریست که انتخابات را از هدف اصلی آن بیرون میکند و آنرا محض یک وسیله مشروعیت بخشیدن بیک شخص می سازد که در مقام قرار میگیرد، نه آنکه آن شخص بتواند بصورت واقعی از مردم نمایندگی کند. امید است تا فرصت از دست نرفته در این ساحه فعالیت بیشتر صورت گیرد و مردم یک دیگر خود را از استفاده مشروع از حق قانونی شان آگاه سازند و آنها را برای اشتراک در انتخابات تشویق نمایند. این توقع از رسانه ها و علمای واقعی دینی نیز وجود دارد تا مردم را در زمینه انتخابات و اهمیت آن بصورت مثبت و فعال تنویر و تشویق کنند.

دراخیر باید خاطر نشان ساخت که انتخابات 2009، طوریکه معلوم است، با جنجال های فراوان اعم از مداخلات خارجی ها و نیز تقلب، تخلف و تخطی های فراوان در پروسه رأی دهی مواجه گردید، امید است با تجارب حاصله از آن دوره این بار همچو چیزی رخ ندهد. از این واقعیت نمیتوان انکار کرد که هنوز هم کشور ما در موضوع انتخابات درحالت مبتدی قرار دارد؛ با آنکه از دو دوره گذشته تجاربی بدست آمده اند، ولی راه اندازی انتخابات «آزاد، عادلانه و شفاف» کار ساده نیست که در شرایط موجود کشور آنرا توقع داشت. بسیاری کشورها که تجارب چندین دهه در زمینه دارند، هنوز هم در خم و پیچ یک انتخابات واقعی سرگردان اند. (پایان)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ